

درس اندیشه اسلامی استاد کریم فدایی

امام باقر علیه السلام: الکمال کل الکمال، التفقه فی الدین، والصبر علی الثائب، وقدر العیة.

کسی که این سه نکته را رعایت کند به کل کمال می رسد! در دین تفقه کند، فهم عمیق و دقیق دین
۱! صبور و بردباری در مشغلات داشته باشد ۲! تقدیر کردن (میریت اقتصاد) خانواده.

وظایف ما نسبت به انچه علیه السلام:

۱- معرفت: شناخت عمومی نام، تولد، پدر، مادر، محل تولد، مدت امامت و ...
شناخت عمقی

۲- محبت: امر قلبی یعنی امام را در قلب درست داشته باشیم و نیز سوره هم داشته باشیم، یعنی محبت قلبی خود را
بروز داده و بر فرض از اعمال ما که نمانده اند می محبت است ما بروز دهیم.

۳- پیروی و اطاعت: پیروی و اطاعت صحیح، نتیجه پی معرفت عمیق و صحیح و محبت و سوره می باشد که نتیجه پی
عملی آن پیروی صحیح و اطاعت از اولاد حضرت می باشد.
نخج البلاغه شامل خطبه ها، نامه ها، کلمات مضار و حکمت ها.

حکمت ۸۲: شما را به پنج چیز سفارش می کنم که اگر برای رسیدن به آنها، ستران را می ستاب برانید
(سخنی ها را تحمل کنید) شایسته و سزاوار است.

۱- لا یجعلن احدکم منکم الا ربه: امید انسان فقط به خدا باشد و لا غیر.

نفس و کارگردانید در زندگی:

بیا به اسلام درباره امید در زندگی می فرمایید: ایل و آرزو برای امت من رحمت است، اگر امید و آرزو نبود
هیچ مادری به فرزندش شکر نمی داد و هیچ باغبانی درختی نمی کاشت.

۱- ایجاد انگیزه، حق و حرکت را روشن می کند. زندگی آکنده است، چه که ما آکنده نیست مرده است.

۲- ایجاد نشاط با محبت و سرور و سزندگی

۳- خوش بینی و حسن ظن به خداوند (نظام آفرینش)

رضیفی انسان در داشتن ظن نسبت به خدا باید حسن ظن داشته باشد، خوش بین و خوش گمان باشد.

البلا: - بلا برای ظالم ادب و گوشمالی است.
 - بلا برای مومن امتحان است.
 - بلا برای انبیاء درجه و پیشرفت است.
 - بلا برای اولیاء خدا کرامت است.

نسبت به خلق خدا
 مومن حسن ظن
 کافر سوء ظن

نسبت به خود: انسان می بایست همیشه نسبت به خود سوء ظن داشته باشد و همیشه در مقابل کارهایی که انجام می دهد محاسبه داشته باشد.

۴- انتظار و امید: در این بخش باید توجه داشت که انسانی که دلمای امید است انتظار بریدن عدل و داد را ندارد که این امر با شرح و ظهور امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) محقق خواهد شد.
 انتظار بر دو نوع است: واقعی و دروغی.

۲- ولا یخافن الا الذنب

خوف از جاگناه و مقام خداوند خشیت. نامی امام که گویا خوف و بالعکس خواندن نام ترسناک و فراموشی از ترس است.
 از نتیجه ی عمل خویش، مکافات عمل.

اصالی - مستقل نگاه طاهر
 آلی - ابزاری نگاه نومن

اثرات منفی نگاه:
 ۱- سقوط معنوی انسان
 ۲- بی اعتباری
 ۳- مساوت قلب
 ۴- دوری از رحمت الهی
 ۵- مستجاب نشدن دعا

س: چه اثری در ترک محرمات وجود دارد که انسان را از دتره مقصد می رساند؟ در ترک محرمات اثر اخلاص برای عمل وجود دارد.

سوال: کدامیک از جمیع تر است: انجام واجبات:

ترک محرمات:

ممكن است در انجام ریاء باشد، اما اگر ترک نگاه اتفاق بی افتد، اخلاص دارد.

۳- اگر از کسی سوال پرسیدند که بواسطه رانندگی از رفتن نمی دانم شرم و حیا کنند
علم ۲۷ باب است و زمان ظهور فقط ۲ باب آن کشف می شود. «امام صادق علیه السلام»

جهل ← بسبب نمی داند و نمی داند که نمی داند.
که مرکب: نمی داند و نمی داند که نمی داند و نمی داند که نمی داند!

آنکس که نداند و بداند که نداند گنگان خرب خویش به قصد برساند
آنکس که نداند و نداند که نداند در جهل مرکب ابد و دهر بماند

انما یخسر الله من عباده العلماء: فقط علما از بندگان خدا خاسع و خاشع هستند.

۴- اگر کسی چیزی را نمی داند از پرسیدن شرم و حیا نکنند.

فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ
لِذَلِكَ ذَكَرَ سَوَالَ كُنْهِهِ فِي هَذِهِ رَأْيِي دَانِدِ

۵- عَلَيَّكَ الصَّبْرُ. بر شما باد صبر و استقامت و پایداری.

مَنْ لَا صَبْرَ لَهُ لَا إِيمَانَ لَهُ :

مفهوم آیه: «لَا أَكْرَاهُ فِي الدِّينِ»

- مجبور کردن کسی به زور برای انجام کاری. و فاعل این کار مکره است. و مفعول آن مکره است.
اکراه چیست؟

- کاربرد اکراه جوارح ← اعضای بدن

جوانح ← طب، امور باطنی و قلبی.

→ لَا رَدَّ فِي دِينِ أَكْرَاهٍ رَاهُ نَادِرٌ وَ دِينِ أَكْرَاهٍ يَزِيدُ نِسْبَةً.

علامه طباطبائی: اگرچه از ناصیه بیرون است و شامل جوارح انسان می شود و به جسم انسان مربوط است نه روح انسان. اگرچه آن است که کسی را به اجبار، مجبور به کاری کند، در آیه «لا اکراه فی الدین»، دین اجباری و اگر احصا نفس شده است. چون دین عبارت است که یک سلسله معارف علمی (اصول دین) که معارف علمی را به دنبال دارد، بنابراین دین عبارت است از اعتقادات و اعتقاد و ایمان هم از امور دینی است که اگرچه در آن راه ندارد.

مکان نزول آیه مبارکه:

ابن عباس عمومی پیامبر را از اسلام، نقل کرده: قبل از اسلام در بین اهل مدینه، رسم چنین بود که اگر فرزند زنی زنده نمی ماند، پدرش می کرد در صورت زنده ماندن فرزندش او را به دین یهود درآورد، بعد از اسلام به خطبه قبله ی بنی نضیر، تأیید شد از مدینه کوچ کنند، عده ای از این افراد در بین آنها بودند، مردم مدینه گفتند که ما نمی گذاریم فرزندان ما یهودی بمانند، بنابراین این آیه نازل شد.

من کن مسلم که در ایم بماند نه زنجیرم که از یستم بماند

چگونه فکر این نعمت گذارم که زور مردم آزاری ندارم که دلم زور و آزاری ندارم. حافظ سید نظری

۱- اخلاق نبوی:

علل و عوامل پیشرفت اسلام

دلم من اگر خود را خود همه حاکم گوید از سخن گفتن زیباش بدان بنشیند و زنده و کزیه رود در بنشیند خاموش همه از سیرت زیباش نصیحت می کنند

جاذبه و دافعه
- نه جاذبه، نه دافعه
- فقط اهل جاذبه، بدون دافعه
- فقط اهل دافعه، بدون جاذبه
- هم جاذبه (جداگویی)، هم دافعه (جداگویی)

اربع معروف
- مرحله تبلی = واجب عینی
- مرحله سانی = کفای
- یدی - عملی = وظیفه حکومت، ضابطین قضایی

نحوه می گفتن
- می بلوید
- چگونه بلوید
- لجا بلوید
- به کسی بلوید چه وقت بلوید

۲- فداکاری های حضرت علی علیه السلام.

لیکن از دلایل پیوسته اسلام فداکاری های حضرت علی علیه السلام است از جمله .

- نفس آفرینی حضرت علی علیه السلام

سرکشی و خرد ازب (خندق) : نفس حضرت و ازین بردن قرآن عرب

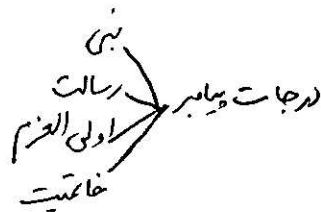
۳- شربت حضرت خدیجه .

نبوت

رسیده طهری نبی - نیا - خبر مهم

که خبر آورنده - پیامبر واقعی

شکنی : پیامبر دروغین



درجات پیامبر . ۱- نبی - نبوت : هر پیامبری نبی هست ولی هر نبی رسول نیست

فقط بین نبی و رسول ، نبی فرشته ای و ص را در خواب می بیند و صدای او را می شنود . ولی رسول فرشته ای و ص را در بیداری می بیند .

برخی معتقدند پیامبر بر دین حضرت ابراهیم بوده است .

برخی معتقدند حنیف (یکتا پرست) بوده است .

برخی معتقدند دین پیامبر آخر زمان خود یعنی مسیح بوده است .

برخی دیگر هم معتقدند که پیامبر دین خاص خودش و آیین مخصوص خود را دارد .

دین پیامبر اسلام



چون پیامبران از انبیا و اولاد همه نبی بودند و درجه ی نبوت رسیده اند .

- سوره ی توحید ۳ مرتبه

- اللهم صل علی محمد و آل محمد و علی

جميع انبياء والمرسلين

- اللهم اغفر للمؤمنين و

المؤمنات والمسلمين والمسلمات

- سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله و

الله أكبر

چرا اولو الغفران : - غم را سخ داشتن
- کتاب ستم داشتند .

آیا در قرآن درباره ی تعداد انبیاء بحس طرح شده . بله اسم ۲۷ پیامبر مختلف در قرآن آمده

اسم پیامبر اسلام ۵-۴ بار آمده است

اسم حضرت موسی ۱۳۶ بار آمده است

بایم که دلمای غریزه و سنهای عقل

خلایق

ملائک : عقل سنهای غریزه

انسان : هم غریزه و هم عقل

مادی هم ، زاده ولد
مجرد عالم فانی
موجود

ثم انشأناه خلقا

تغایر قرآن درباره وجود انسان - سوره ی سجده ، آیه ۱۴

سوره ی آیه . نفخت فیہ من روحی .

مرگ به معنای فوت نیامده (توضیح)

وما خلقت الجن والانس الا ليعبدوا (ذاریات - ۵۶)

تفسیری بعثت : خلق خلقت انسان

یعنی : به لحاظ زمانی از انسان زودتر آفریده شده .

اولین سطر از فرمان خدا این است .

چون انسان را می بیند ولی انسان چنانچه راغب بیند .

نیاز انسان به پیامبر

معرفت جدید → عبادت → معرفت اجمالی

۱- همه را آفریده بار خدای
۲- هیچ نقص و عیب نداشته باشد
۳- همه کمال را داشته باشد

اندر این مقدم بر عمل است .

عمل مقدم بر اندیشه است .

فطرت نوعی آفرینش خاص

اسور فطری
ثابت
همگانی

اصل امر فطری نیاز
به تعلیم ندارد ولی رشد و جهت
دادن آن نیاز به آموزش دارد

واعبد ربک حتی یاتیک الیقین حبر ۹۹
عبادت کن که فایده ی رسیدن به یقین است .
علم الیقین
عین الیقین
مراتب یقین
حق الیقین

مقدم
متوسط
انگیز
اهداف

فرق عبادت → عبادت در ظاهر است تسلیم نماز خواندن بدون تسلیم

عبودیت → تسلیم شدن و بندگی

ویژگی های عبادت : آگاهانه ، عاشقانه ، خاضعانه ، عارفانه ، مخلصانه

انواع عبادت کننده گان : طمع بهست ، بردگان ترس از جهنم ، احرار آزادگان

این که در دین همراه وجود ندارد یعنی چه ؟

در دستگاه احل بیت با چه سلاک و معیاری؟ انسان نمره می دهند؟

- اخلاص
- اخلاق
- اجتهاد

یکی از علائم حتمی ظهور ندای
آسمانی است که در سطح جبرائیل ظاهر
حضرت حجت را اعلام می کند
همه با زبان مادی این ندای را دریا
می کنند

يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ يُقَدِّرُ تَكْوِيْنَكُمْ وَمَا يُدْرِيكُمْ يَوْمَ تَبْعَثُونَ ۝ ۳۰ بَارِزَانَتِ مَعُودَتِ قَبْلِ حُجَابِ

اما من مگر می دانم؟ مؤمن هیچ دریغی ندارد:

- ۱- احل نماز هستند.
- ۲- مجسمه به بسم الله الرحمن الرحيم. حجر - اخفات
- ۳- سجده بر تربت.
- ۴- انگشت به دست راست کردن
- ۵- زیارت اربعین را ناامنی شود.

اما ما قرآن علیه السلام. الکمال.

فلسفه

فلسفه یعنی انبیاء:

تلاک و خصوصیات مسیح } بصیرت
حق محوری
تولی و تبری

۱- رابطین انسان و خدا.

۲- غفلت زدایی از مردم و احیای ارزش های فراموش شده و

محو غفلت قرار گرفته.

بخشی از خطبه اخلاصیه بیان خود را می در پی فرستاد تا وفاداری به پیمان فطرت را از مردم بخواهد
اول سخن بلاغت و غنای فراموش شده را به ایشان آفرید.

نخستین سوره ی توحید ۳ بار ختم قرآن

صلوات و علی جمیع انبیاء و المرسلین.

استغفار برای مؤمنین اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات...

سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله أكبر.

طبیعت: بین همه موجودات مشترک است.
غریزه: حیوان + انسان در هر دو مشترک است.
فطرت: مختص انسان است.

۱- همگانی - فراگیر
۲- ثبات - ثابت بودن

۳- اصل امور فطری نیاز به تعلیم ندارد اما جهت دادن و رشد و گسترش آن نیاز به تعلیم و پرورش دارد
۴- اندیشه و تفکر

فقر مادی: در مقابل مردم
معنوی: در مابین مردم.

۱- وصی: یکی از وظایف اساسی پیامبران دریافت پیام الهی است که از آن به وحی تعبیری شود، سخن گفتن درباره‌ی حقیقت و صر و سوار و دست نیافتنی است، زیرا پدیده‌ی وحی یک امر طبیعی قابل شناخت با ابزارهای متعارف محسوس و علمی نیست بلکه ارتباطی است خارج العاده میان خالق و برض از انسانهای برگزیده که جز خود آفرینا کسی که به آن مرحله و موقعیت نرسیده باشد، نمی‌تواند از رمز و راز آن آگاهی یابد و درباره‌ی ماهیت آن داری کند.

اما معنا و مفهوم وصی قابل فهم و دست یافتنی است و به اندازه‌ی گستره‌ی فهم و ادراک خود می‌توان بر اساس لغت‌های پیامبران درباره‌ی آن تحقیق نمود.

راه‌ی وحی در لغت دارای معانی و کاربردهای مختلفی مانند اشاره، سرعت، تفهیم و القای بینشانی مطلبی به دیگران، اعلام در خفا، نوشتن و... آمده است. و معنای جامع طبعی وحی همان تفهیم و القای سریع و زبانی است.

وصی در قرآن کریم: — اشاره‌ی بینشانی: حضرت زکریا (علیه السلام) پس از بشارت یافتن به داشتن فرزند، مکلف به روزه‌ی سکوت شد، بنابراین به جای حرف زدن با اشاره، مقصود خویش را به آفرینا می‌فرستاد.

سوره‌ی مبارکه‌ی مریم، آیه ۱۱: خداوند می‌فرماید: فإِنَّهُ كَانَ مِنَ الْغَاثِ
این که سالم هستی بالسی سخن نمی‌گویی، پس از خراب بر قوم خویش در آمد و به آفرینا اشاره کرد که روز و شب به عبادت و نیایش سپرد از نذر.

هدایت غریزی و طبیعی: هر موجودی اعم از حیوانات و نباتات و حیوانات و انسانها.

به طور غریزی و طبیعی، راه بقا و تداوم زندگی خود را می‌داند، از این هدایت با نام وصی در قرآن یاد شده است.

مثل وصی به زبور عمل. سوره‌ی مبارکه‌ی نمل آیه‌ی ۲۸ و ۲۹، پروردگارت
به زبور عمل وحی (الهام غریزی) نمود، که از گوه و درخت و داربست کبی
که مردم می‌سازند، خانه‌هایی درست کن، سپس از همی میوه‌ها (شود طها)
بخور و راههای پرودگارت را به راحتی طی کن.

کلمه: در فرهنگ قرآن همه‌ی موجودات از علم و شعور برخوردارند و همه می‌توانند از سخن وحی و الهام، بهره‌ای داشته باشند.

الهام: وحی غیر رسالی: گاهی انسان پیام را دریافت می‌کند که منشأ آن را نمی‌داند، بویژه در حالت

اضطراب و ظهور مشکلات که قادر به تصمیم‌گیری نیست و در حالت شک و تردید به سر می‌برد و وظیفه خود را

تشیخ می‌دهد تا گمان درخشش در دل او پدید می‌آید و راه را بر او روشن می‌سازد. این سر و ش غیبی که از عنایت

الهی سر چشمه گرفته در قرآن وحی نامیده شده است. نمونه‌های قرآنی: سوره‌ی قصص: آیه‌ی ۷.

به مادر موسی وحی کردیم که او را سیریه در چاه بر او بیفتاد سدی او را در دریا بیاندا و نترس، و ما او را به تو باز می‌گردانیم

و او را در سرور و پیامبران تراز خواهیم داد.

نکته: انگیزه الهامات الهی در هنگام ضرورت به یاری رهبران الهی و بندگان صالح می آید.

گفتنی است قرائن وحی را به معنای وسوسه های شیطان تکرار برده است، زیرا ترغیب و تشویق شیطان بر کتاب پنهان و سرسوز است.

• وحی رسالی یا تشریعی: وحی به این معنا، نشانی وحی نبوی بوده و در بیشتر موارد، کاربرد کلمه وحی و مشتقات آن ناظر به همین معناست، هرگاه واژه وحی بصورت مطلق و بدون قرینه باشد، مقصود همان وحی و پیام ربانی خداوند به پیامبرانش می باشد. سوره ی شوری آیه: ۳ انگیزه خداوند نبی و مژده حکیم به سوی توبه سوی کسانی که پیش از توبه آمده اند وحی می کند.

وحی به انگیزه، آموزه ای ویژه ای است که از ناحیه خداوند سبحان به برخی از انسانهای برگزیده افافیه می شود، لکن شدن روزنه ای به عالم غیب و افق های نوینی از آسمان معنا به سوی و روی انبیاء است، وحی از سوی خداوند است و خواستگاه و جایگاه آن از جهانی است بالاتر از شعور و آگاهی هایی که رلهای حواس پنجگانه به دست می آید.

در قرائن هم لفظ و هم معنا از طرف خداوند متعال است، بخاطر همین نمی توان به آن دست بدون وضو و طهارت زد. در حدیث قدس لفظ از طرف پیامبر است اما معنا و مفهوم از طرف خداوند متعال است، فلذا دست بدون وضو اگر به آن بخورد اشکالی ندارد.

نحوه ارتباط پیامبر با خداوند: آیه ی آخر سوره مبارکه ی کهف.

کلمه ی قل در قرائن: بیش از ۳ بار در قرائن تکرار شده

علت و دلیل جینی بر تحریف شدن قرائن است.

ذهن پیامبر تأثیری در دریافت وحی ندارد.

پیامبر هیچ نقشی در ابلاغ نداشته مگر تکرار بدون کم و کاست فرمان الهی.

اقوال مختلف در خصوص عصمت انبیاء:

۱- نظر شیعه: شیعیان دوازده امامی معتقدند که انبیاء علیهم السلام، از آغاز تولد تا پایان عمر از عتاق لاهل اعم از صغیره و کبیره، معصوم بوده و گناه نمی کنند.

۲- نظر علمای سنی: انبیاء فقط زکات لاهل اعم از کبیره معصومند.

۳- از هنگام بلوغ معصومند.

- ۴- برخی معتقدند از زمان نبوت معصومند.
 ۵- گروهی مانند حشویه و اهل حدیث، اساساً منکر عصمت انبیاء هستند.

عصمت انبیاء

عصمت مکه‌ی نیرومندی است که در سخت‌ترین شرایط شخص معصوم را از ارتکاب گناه باز می‌دارد، مکه‌ای که از اگاه حاصل و دائم بر سستی گناه و اراده‌ی قوی بر محارک بردن تمایلات نفسانی حاصل می‌شود.

لازمی عصمت هر شخص ترک اعمالی است که بر او حرام است و عمل به واجبی که بر او شایسته است. اما واره‌ی گناه، ذنب، عصیان، که کاربرد وسیعی دارد و شامل ترک اولی هم می‌شود، انجام دادنش مخالف با عصمت ندارد.

چهار آیاتی از قرآن کریم دلالت بر عصمت انبیاء دارد:

الف- آیاتی که انبیاء را جزو مخلصین شمرده‌اند و آنان کسانی هستند که شیطان از گمراه کردن آنان مأیوس شده و آنان را استثناء کرده. سوره‌ی ص آیه‌ی ۸۴.

مخلص سادی معصوم است سوره‌ی مبارکی نبریم آیه ۵۱: در این کتاب از موسی یاد کن که او مخلص بود و پیامبر و رسولی و الامقام.

ب- قرآن کریم اطاعت از انبیاء را به طور مطلق لازم دانسته و لازمی اطاعت مطلق عصمت است. سوره‌ی مبارکی نساء آیه‌ی ۵۹.

سوره‌ی مبارکی نساء آیه‌ی ۶۴

ج- قرآن کریم مناصب الهی را به کسانی اختصاص داده که اهل ظلم نباشند. سوره‌ی مبارکه بقره آیه‌ی ۱۲۴ و هر گناهی دست کم ظلم به نفس می‌باشد.

ظلم به خدا
به مردم

خبر انبیاء و اولیای خدا، خودشان را گنهار می‌دانستند و به تفریح و استغفار می‌پرداختند؟
 حضرات معصومین علیهم السلام که در اوج کمال و قرب الهی قرار داشتند برای خودشان وظایفی بالاتر از وظایف دیگران قائل بودند، فلذا هرگونه توجهی به غیر عبود و محبوسان در گناه عظیم می‌شمرند و از این رو در مقام عذرخواهی و استغفار بر می‌آمدند، (علامه من زاده: همه از گناهان به درگاه خدا استغفار می‌کنند) تا حسن از عبارتهایی که انجام داده.

* نسبت دادن گناه به پیامبر اکرم در سوره ی فتح چگونه با عصمت آن حضرت سازگار است؟
 لیغفر لک رجب ما تقدم من ذنبک وما تاخر
 سوره ی مبارکه فتح آیه یک
 حتما خداوند من بخشد خداوند، حتما گناهی که قبلاً انجام داده ای

منظور از ذنب در آیه ی بالا گناهی است که مشرکان برای آن حضرت پیش از هجرت و سپس از آن قابل بودند. (توهین پیامبر به تنهای آن) و منظور از مغفرت و بخشش دفع اکثاری است که برای آن مرتب شود و شاهد این تفسیر آن است که فتح مکه را علت آن شمرده است.

* شبه مربوط به عتاب پیامبر چگونه با عصمت آن حضرت قابل جمع است؟ اینگونه خطابها که با مذمت شروع می شود نوعی مدح و ستایش در قالب عتاب و ذم است، و دلالت بر نهایت عظمت و دلسوزی پیامبر برای مردم دارد که حتی منافقین را تا حدی که در پیده از راز شان بر نمی داست.

راههای شناختن پیامبر واقعی

۱- خصوصیات اخلاقی - ترائین و سواحد

۲- شجارت پیامبر یا پیامبران قبلی «سوره ی مبارکه ی صف آیه ۶»

* ۳- معجزه یا تعریف کننده امر خارق العاده ای که با اراده ی خداوند متعال از شخص مدعی نبوت ظاهر می شود و نشانه ی صدق ادعای وی می باشد

قابل تعلیم و تعلم نیستند، غیر آفتابی و اعطای شکست نابود است خودی: مبارزه طلبی

معجزه
 الهی
 غیر الهی
 - قابل تعلیم
 - شکست پذیر
 - خودی وجود ندارد

آیا هر خارق العاده ای معجزه است؟ خیر خارق العاده بر دو قسم است

فرق معجزه با کرامت

هر دو خارق العاده اند اما در معجزه ادعای نبوت و امامت هست. در کرامت همان کار هست ولی ادعای نبوت و امامت وجود ندارد

وظیفه ی مردم نسبت به انبیاء و دستوراتشان

ایمان به همه ی انبیاء
 فرق نگذاشتن بین آنها از نظر اصدق نبوت و عدم تبعیض بین آنها
 هراسی در هر زمانی، پیروی از دستورات پیامبر همان زمان

فوق نبی و رسول .

نبی اعظم از رسول است . همه ی انبیاء ؛ دلای مقام نبوت بوده اند و لکن مقام رسالت مربوط به گروهی خاص بوده است
در بعضی از روایات آمده که نبی فرشته ای و همی را در خواب می بیند و در بیداری صدای او را می شنود اما رسول فرشته ای
و همی را در بیداری هم می بیند .

دین پیامبر اسلام قبل از پیامبر اسلام :

دین حضرت ابراهیم

دین حضرت موسی

دین مسیحیت

آئین خاص و ویژه ی خودش

امامت : نقطه ی اصلی اختلاف بین شیعه و سنی چیست

با اعتقاد شیعه منصب امامت الهی است و باید از طرف
خداوند تعالی برگزینی که صلاحیت کفر دارند داده شود .

که حضرت علی علیه السلام ریاضه نضر اولاد معصومین علیه السلام
لیکن پس از دگرگونی جانشین بلا فضل پیامبر هستند

ولی با اعتقاد اهل سنت امر انتخابی بوده و به مردم واگذار
شده است .

سوره ی بقره آیه ۱۲۴

نصب امام با خداست .

امام معصوم است .

★ پذیرفتن امامت بدون نصب الهی چه پیامدهایی داشته است ؟

نخستین و اولین پایه ی تقلید دین از سیاست را می گذارد ، و اولین نقطه ی انحراف از مسیر اسلام راستین می باشد
و خواستگاه انحراف های دیگری است که از زمان رحلت حضرت محمد رخ داده و تا به حال نیز ادامه دارند

★ معنای لغوی و اصطلاحی امامت :

امامت در لغت به معنای پیشوا و رهبر

اصطلاحی : یعنی ریاست همگانی و فراگیر بر جامعه

اسلامی در همه ی امور دینی و دنیوی .

امام : جلو

امام → نور (ضریها)

→ نار (به یها)

★ مسائل بنیادی امامت

- نصب از جانب خداوند

- دلای علم خداوندی

- معصوم بودن از گناه و زستی ها .

هفت حدیث در امامت اهل بیت :

- حدیث ثقلین عترت و کتاب خدا .

- حدیث سفینه

- حدیث کساء

- حدیث منزلت - حدیث بقره

چند آیه در خصوص عصمت ائمه

- ۱- آیه ۱۲۴ سوره مبارکه یوسف
- ۲- آیه ۵۹ سوره مبارکه شوری
- ۳- آیه ۳۳ سوره احزاب

چند نمونه حدیث در خصوص علم ائمه:

- ۱- امام صادق (علیه السلام) فرمود: «علم همه ی کتاب نزد ماست»
- ۲- امامی که نداند که چه صیفتی به او می رسد و کار او به کجایی انجامد محبت خدا بر بندگان نخواهد بود
- ۳- روح آفریده ایست از جنابیل و میکائیل که بار رسول و بعد از ایشان با ائمه است

کدام آیات بشارت بر حکومت جهانی دارد

- ۱- سوره انبیاء ۱۰۵
- ۲- سوره قصص ۵
- ۳- سوره نور آیه ۵۵

چند نمونه از روایات اهل سنت در اجماع به امام زمان:

- ۱- رسول خدا فرمودند: اگر یک روز از عمر جهان بپایان نماند باشد، خدای تعالی آن روز را آنقدر طولانی خواهد کرد تا مردی از اهل بیت من در هم نام من به حکومت خواهد رسید و زمین را بر او عدل و داد خواهد کرد
- ۲- ام سلمه: از رسول خدا شنیدم که فرمود که مهدی از عترت من و از فرزندان فاطمه است
- ۳- امام سجاد علیه السلام: مهدی ما در قیامت دارد یکی طولانی تر از دیگران و تنها یقین قوی و معرفت صحیح داشته باشند بر امامت او ثابت می ماند

راز غیبت حضرت مهدی (ع)

راز اصلی فراهم نمودن شرایط ظهور

محفوظ ماندن از ستمگران و جباران

در بعضی از روایات، اگر مایش مردم و میزان پایداری و استوار ماندن آنان بیان شده است.

در زمان غیبت مردم چه بهره ای از حضرت می توانند ببرند:

آن حضرت مثل حضرت عیسیٰ است و کما بیش مردم از نور او استفاده می کنند.

و افراد بی شماری بصورت ناشناس به زیارت ایشان مشرف شده و برای رفع گرفتاریهای مادی و معنوی از آن بزرگوار بهره جسته اند و اساساً مایه دلگرمی مردم است، تا خود را اصلاح و آماده ظهور کنند.

- ثبوت نبوت خاصه و عامه

- وصی به معنای

- وصی مطلق که است

- واژه ای قلم خطاب به پیامبر در قرآن چند بار تکرار شده.

- از ویژگیهای امور فطری یعنی باطنی.

- نظر عشویه در مورد عصمت انبیاء که امام است.

- کدام گزینۀ دلیل بر عصمت پیامبران است

- نسبت داخل گشته به پیامبر در سوره ی فتح چگونه با عصمت ایشان سازگار است.

- فرق رسول و نبی

- راز غیبت امام زمان چیست

- کدام روایت دلالت بر امامت ائمه دارد

- نخستین پایه تفکیک دین از سیاست

- عتباتی قرآن به پیامبر چگونه با عصمت ایشان سازگار است.

- لازمی عصمت چیست ؟

- عصمت انبیاء و ائمه در کدام آیه و سوره قرآن بیان شده ؟ ۱۲۴۲ بقره.

- معجزه یا تعریف کنید

- چرا انبیاء و اولیای خدا خودشان را گنهگار می دانستند.

- نظر شیعه در مورد عصمت انبیاء که امام است

- خوانند وجود انبیاء که آمدند. همه موارد
- امامت را تعریف کنید.